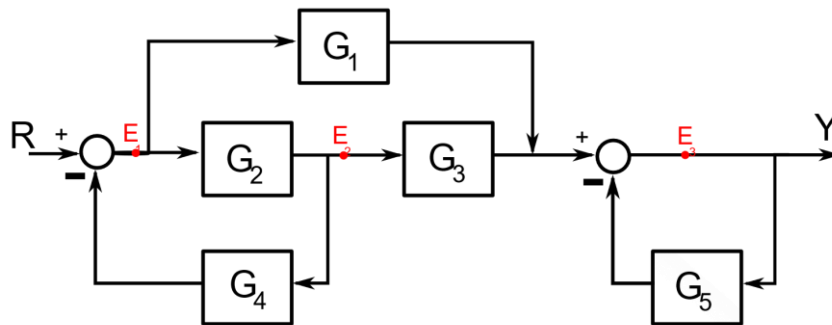
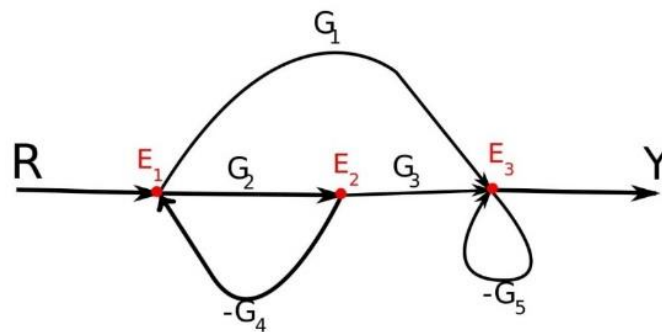


(۱) خروجی‌های جمع‌کننده‌ها و محل انشعاب‌ها را نام گذاری می‌کنیم:



سپس نمودار گذر سیگنال را رسم می‌کنیم:



مسیرهای پیش رو را مشخص می‌کنیم:

شماره (k)	مسیر	بهره
۱	$RE_1E_2E_3Y$	$M_1 = G_2G_3$
۲	RE_1E_3Y	$M_2 = G_1$

حلقه‌ها:

حلقه	بهره
$E_2E_3E_2$	$L_1 = -G_2G_4$
E_3E_3	$L_2 = -G_5$

بهره حلقه‌ها:

$$\Delta = 1 - (L_1 + L_2) + L_1L_2 = 1 + (G_2G_4 + G_5) + G_2G_4G_5$$

حلقه‌ها با مسیرهای پیش رو در تماس‌اند. پس:

$$\Delta_1 = \Delta_2 = 1$$

با استفاده از قانون بهره میسون داریم:

$$G = \frac{Y}{R} = \sum_{k=1}^2 \frac{M_k \Delta_1}{\Delta} = \frac{G_1 + G_2G_3}{1 + G_2G_4 + G_5 + G_2G_4G_5}$$

(۲) سیگنال خطا برای ورودی مرجع عبارت است از:

$$E(s) = [1 - T(s)]R(s) = \left[1 - \frac{1}{s^2 + s + k}\right]R(s) = \left[\frac{s^2 + s + k - 1}{s^2 + s + k}\right]R(s)$$

خطای ماندگار برای ورودی مرجع پله واحد به صورت زیر خواهد بود:

$$e_{ss} = \lim_{s \rightarrow 0} s \left(\frac{s^2 + s + k - 1}{s^2 + s + k} \right) \frac{1}{s} = \frac{k - 1}{k}$$

مشاهده می‌شود که برای $k = 1$ خطای حالت ماندگار به ازای ورودی پله صفر می‌شود.

خطای ماندگار برای ورودی مرجع شیب واحد به صورت زیر خواهد بود:

$$e_{ss} = \lim_{s \rightarrow 0} s \left(\frac{s^2 + s + k - 1}{s^2 + s + k} \right) \frac{1}{s^2}$$

خطای حالت ماندگار تنها برای $k = 1$ محدود و برابر یک است و برای $k \neq 1$ نامحدود است.

$$e_{ss} = \lim_{s \rightarrow 0} s \left(\frac{s^2 + s}{s^2 + s + 1} \right) \frac{1}{s^2} = 1$$

سیگنال خطا برای ورودی اغتشاش همان خروجی سیستم به ازای $R(s) = 0$ است و عبارت است از:

$$C(s) = \left[\frac{\frac{1}{s(s+1)}}{1 + \frac{k}{s(s+1)}} \right] D(s) = \left[\frac{1}{s^2 + s + k} \right] D(s)$$

خطای حالت ماندگار برای ورودی اغتشاش پله واحد برابر خواهد بود با:

$$e_{ss} = \lim_{s \rightarrow 0} s \left(\frac{1}{s^2 + s + k} \right) \left(\frac{1}{s} \right) = \frac{1}{k}$$

با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد مقدار $k = 1$ مناسب باشد چرا که منجر به صفر شدن خطای حالت ماندگار به ورودی پله، محدود شدن خطای ماندگار به ورودی شیب و اغتشاش پله می‌شود.

(۳) ابتدا پایداری سیستم را با راث-هورویتز بررسی می‌کنیم. معادله مشخصه سیستم عبارت است از:

$$\Delta = s^2 + 2\alpha s + 1 + k$$

s^2	1	1+k
s^1	2α	0
s^0	1+k	0

بنابراین برای پایدار بودن سیستم کفایت $k \geq -1$ باشد.

پارامتر α مثل ضریب k_d در کنترلر PD عمل می کند که با افزایش مقدار آن، مقدار فراجش کاهش خواهد یافت. می توان به صورت ریاضی نیز آن را اثبات کرد:

$$P.O. = 100 e^{-\frac{\pi\zeta}{\sqrt{1-\zeta^2}}}, \quad \zeta = \frac{\alpha}{\sqrt{1+k}} \rightarrow P.O. = 100 e^{-\frac{\pi\alpha}{\sqrt{1+k-\alpha^2}}}$$

$$\rightarrow \frac{dPO}{\alpha} = -100\pi \left(\frac{1}{\sqrt{1+k-\alpha^2}} - \frac{\alpha^2}{(\sqrt{1+k-\alpha^2})^3} \right) e^{-\frac{\pi\alpha}{\sqrt{1+k-\alpha^2}}}$$

$$\frac{dPO}{\alpha} = -100\pi \left(\frac{1+k}{(\sqrt{1+k-\alpha^2})^3} \right) e^{-\frac{\pi\alpha}{\sqrt{1+k-\alpha^2}}} < 0$$

بنابراین مقدار اورشوت نسبت به پارامتر α اکیدا نزولی است. بنابراین بیشترین مقدار فراجش در کمترین مقدار α اتفاق می افتد. پس می توانیم طراحی کنترلر را با کمترین مقدار α انجام دهیم. اگر به ازای کمترین مقدار α مقدار فراجش کمتر از ۷ درصد باشد، به ازای تمامی مقادیر α در بازه داده شده، مقدار فراجش کمتر از ۷ درصد خواهد بود.

$$0.07 \geq e^{-\frac{\pi}{\sqrt{1+k-1}}} \rightarrow 2.66 \leq \frac{3.14}{\sqrt{k}} \rightarrow k \leq 1.39$$

برای برآورده کردن معیار دوم طراحی، خواهیم داشت:

$$t_p = \frac{\pi}{\omega_d} = \frac{\pi}{\omega_n \sqrt{1-\zeta^2}} = \frac{\pi}{\sqrt{1+k-\alpha^2}}$$

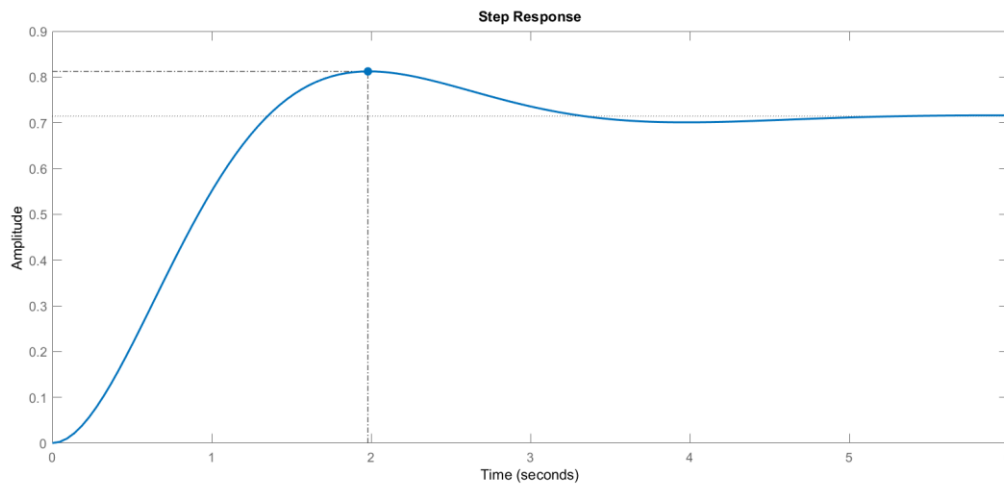
با توجه به رابطه محاسبه زمان فراجش، با افزایش مقدار α مقدار t_p نیز افزایش می یابد. بنابراین بیشینه مقدار t_p به ازای بیشترین مقدار α اتفاق خواهد افتاد.

$$t_p \leq 1.5 \rightarrow \frac{3.14}{\sqrt{1+k-4.41}} \leq 1.5 \rightarrow 4.38 \leq k - 3.41 \rightarrow 7.79 \leq k$$

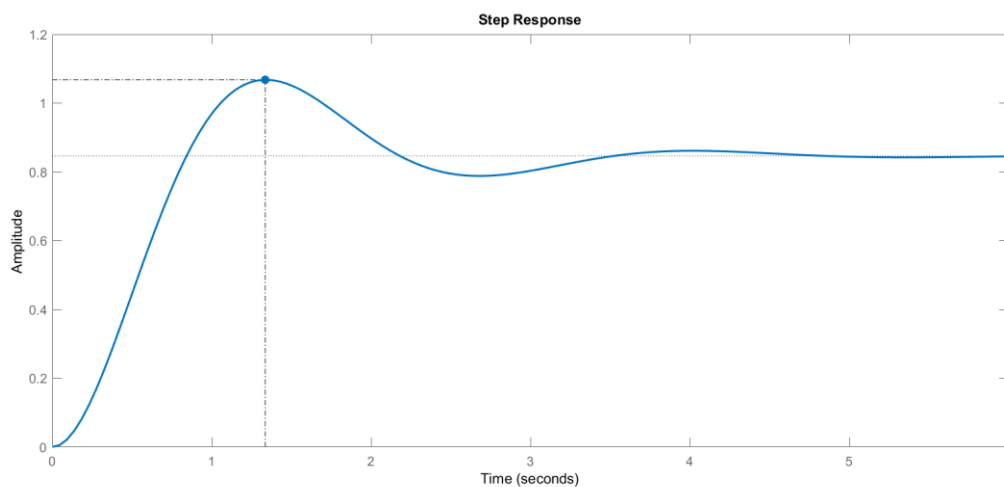
مشاهده می شود که حدود بدست آمده برای گین تناسبی کنترلر در خواسته طراحی اول ($k \leq 1.39$) و دوم ($7.79 \leq k$) با هم همپوشانی ندارد لذا با یک کنترلر تناسبی نمی توان به این خواسته های طراحی بصورت توأمان رسید.

توضیحات تکمیلی) با توجه به این موضوع که با یک گین کنترلی نمی توان به هر دو خواسته کنترلی رسید، می توان مصالحه ای ایجاد کرد. اگر در سیستم داده شده، اهمیت میزان اورشوت بیشتر باشد و اورشوت بیشتر باعث صدمه رسیدن به سیستم شود، می توان ضریب کنترلر را برابر ۲.۵ در نظر گرفت که ماکزیمم اورشوت

را به توجه به عدم قطعیت به حدود ۱۳.۸ درصد برساند، ولیکن زمان فراجاهش به حدود ۲ ثانیه افزایش پیدا خواهد کرد.



در صورتی که سرعت سیستم حائز اهمیت بیشتری باشد و در عین حال، میزان اورشوت آسیبی به سیستم نزند، می توان ضریب کنترلر را برابر ۵.۵ در نظر گرفت. در این حالت زمان رسیدن به اورشوت حدود ۱.۳۴ ثانیه خواهد شد. ولی باید توجه داشت که با این شرایط، اورشوت به ۲۶.۲ درصد خواهد رسید.



(۴) الف) محاسبه اورشوت و زتا:

$$\text{overshoot} = \frac{1.32 - 0.8}{0.8} = 65\%$$

$$e^{-\frac{\zeta\pi}{\sqrt{1-\zeta^2}}} = 65\% \rightarrow \zeta \approx 0.135$$

محاسبه ω_n با توجه به زمان نشست:

$$\text{settling time} \approx 32 s = \frac{4}{\zeta\omega_n} \rightarrow \omega_n = 1.08$$

از روی نمودار می توان پی برد که حالت ماندگار سیستم برابر ۰.۸ است. چون در سوال گفته شده تابع درجه دو است، میتوان مقدار ω_n را به دست آورد:

$$\lim_{s \rightarrow 0} \frac{1}{s^2 + 2\zeta\omega_n s + \omega_n^2} = \frac{1}{\omega_n^2} = 0.8 \rightarrow \omega_n = 1.118$$

که تقریباً با محاسبات قبلی برابر است. در نتیجه تابع تبدیل حلقه بسته به صورت زیر خواهد بود:

$$T(s) = \frac{1}{s^2 + 0.3s + 1.25}$$

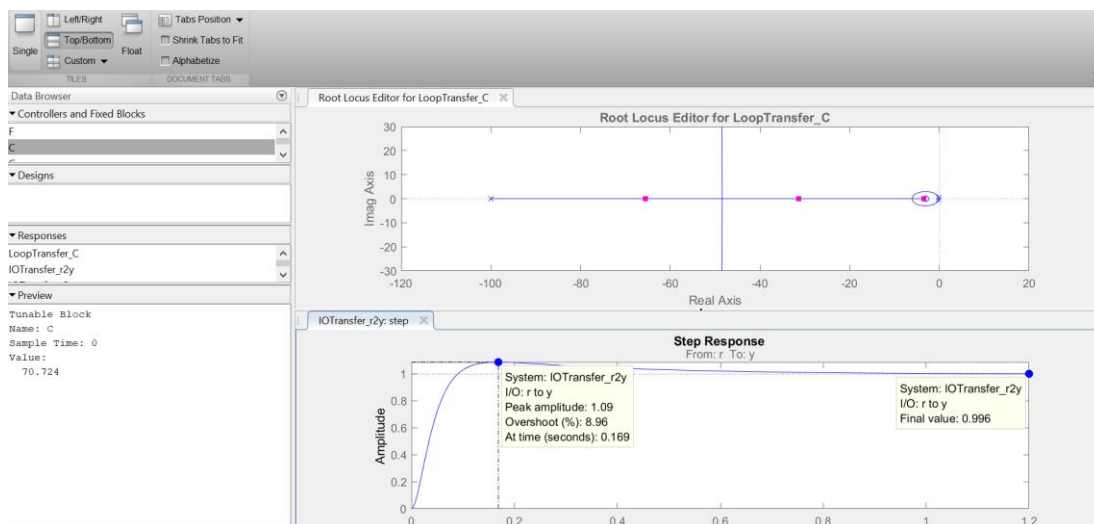
تابع تبدیل حلقه باز:

$$G(s) = \frac{1}{s^2 + 0.3s + 0.25}$$

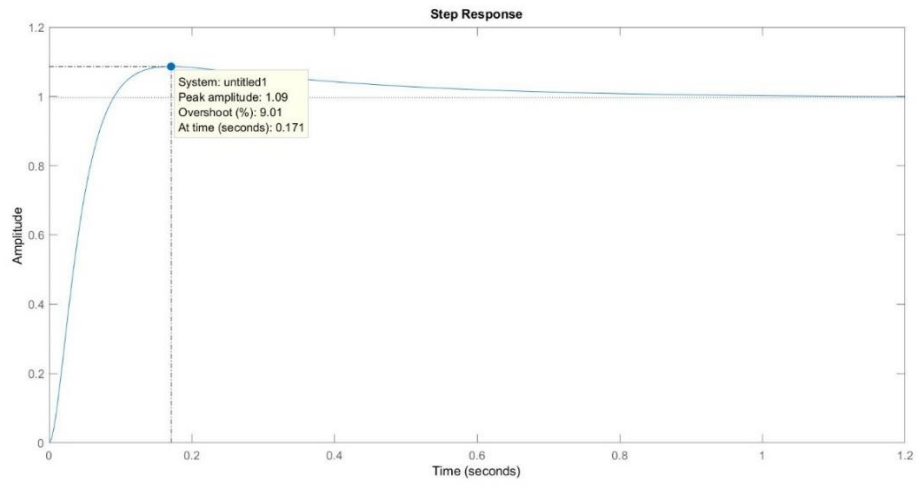
ب) خواسته های کنترلی با گین ساده برآورده نخواهند شد. بنابراین کنترلر پیشنهادی PD است. با توجه به مکان ریشه اولیه سیستم، صفر کنترلر را روی -6 و قطب سیستم را روی -25 می گذاریم. پس کنترلر به صورت زیر در می آید:

$$C(s) = \frac{100}{5} \frac{s + 5}{s + 100}$$

سپس با توجه به مکان ریشه جدید سیستم، گین کنترلی طراحی می کنیم. بدیم منظور می توانیم از $sisotool$ استفاده نماییم:



که لازم است گین را حدود ۷۰ بگذاریم تا به خواسته های کنترلی دست پیدا کنیم.



موفق باشید.